

تأثیر آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و مشکلات عاطفی رفتاری درونی سازی شده و برون سازی شده دانش آموزان ابتدایی

محمد صادق حسین هاشمی دهقی

دانشجو کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر اصفهان

Mohammad.hashemi1274302196@gmail.com

پریسا مومنی دهقی

دانشجو کارشناسی آموزش دانش آموزان با نیاز ویژه دانشگاه فرهنگیان

pmmniiii81@gmail.com

1

چکیده

مشکلات مختلف رفتاری ممکن است بر عملکرد تحصیلی کودکان تأثیر منفی بگذارد، زیرا مثلاً کودکان خجالتی ترس، غم، اضطراب و برانگیختگی فیزیولوژیکی بیشتری را در کلاس تجربه میکنند که ممکن است با ایجاد اختلال در توجه و پردازش اطلاعات، یادگیری کلاس را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین آنها تعامل کمتری با معلمان و همسالان داشته و در نتیجه فرصت کمتری برای کسب مهارت‌های مهم اجتماعی و تحصیلی دارند. پژوهش حاضر به روش مروری کتابخانه‌ای انجام شده است که هدف از آن بررسی تأثیر آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و مشکلات عاطفی رفتاری درونی سازی شده و برون سازی شده دانش آموزان ابتدایی بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی باعث کاهش مشکلات عاطفی رفتاری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. حل مسئله از اهداف مهم یادگیری است که رشد آن به عملکرد تحصیلی مطلوب، خلاقیت و نوآوری منجر میشود و به افراد کمک میکند هنگام رویارویی با مسائل به شیوه‌های خلاقانه آنها را حل کنند. بنابراین آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی منجر به بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان ابتدایی میشود.

کلمات کلیدی: مشکلات رفتاری، عملکرد تحصیلی، حل مسئله

مقدمه

مواجهه و رویارویی با مسائل و مشکلات در زندگی جمعی و فردی امری طبیعی است. مسائل شخصی و اجتماعی بسیار زیادی زندگی افراد را احاطه کرده است که حل آن‌ها از ضروریات یک زندگی سالم چه از لحاظ بدنی و چه از لحاظ روانی است (شکوهی یکتا، دواپی، زمانی، پور کریمی و شریفی، ۱۳۹۲). دانش‌آموز در زندگی تحصیلی خود درگیر مسائل اجتماعی زیادی است. حل مسئله اجتماعی یکی از مهارت‌های مورد نیاز زندگی گروهی است که در مدرسه و خارج از آن به کار می‌رود. حل مسئله اجتماعی یک راهبرد مقابله‌ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی روانی را کاهش می‌دهد (دزوریلا، نزو و میدو، ۲۰۰۲). حل مسئله اجتماعی فرآیند شناختی- رفتاری است که فرد برای حل یک مسئله اجتماعی طی می‌کند (ایلماز و تراش، ۲۰۱۹). در این تعریف فرآیند حل مسئله به عنوان یک فعالیت هدفمند، مجدانه و آگاهانه در نظر گرفته می‌شود و راه‌حل‌های مؤثر و بالقوه را برای یک مسئله در دسترس افراد قرار می‌دهد و امکان انتخاب راه‌حل‌های مؤثر را از بین راه‌حل‌های مختلف افزایش می‌دهد (ابو المعالی، ۱۳۹۴)

2

حل مسئله اجتماعی نوعی سازه شناختی رفتاری است که شامل جهت‌گیری مسئله و سبک‌های حل مسئله است. منظور از جهت‌گیری مسئله، ارزیابی‌ها، احساسات و باورهای عمومی فرد در مورد توانمندی‌اش جهت مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا است که می‌تواند به دو صورت جهت‌یابی مثبت مسئله و جهت‌یابی منفی مسئله باشد. سبک‌های حل مسئله نیز شامل کار بست مجموعه ای از فعالیت- های شناختی رفتاری در طول فرآیند حل مسئله است که هدف آن یافتن راه‌حل‌های مؤثر برای مسئله مربوطه است. سبک‌های حل مسئله شامل سه سبک حل مسئله منطقی، سبک تکانشی / بی‌دقتی و سبک اجتنابی است (واک، ینگ، لاو، لو و تام، ۲۰۱۵). جهت‌یابی مثبت مسئله و سبک حل مسئله منطقی ابعاد سازنده حل مسئله و جهت‌یابی منفی مسئله، سبک تکانشی / بی‌دقتی و سبک اجتنابی ابعاد حل مسئله با کارکرد نامناسب هستند.

جهت‌گیری مثبت ارزیابی مسئله به عنوان یک چالش، باور به قابل حل بودن کلیه مسائل و باور به اینکه حل موفقیت‌آمیز مسئله نیاز به زمان و تلاش دارد، تلقی می‌شود و در جهت‌گیری منفی نیز ارزیابی مسئله از طریق مجموعه‌ای شناختی، هیجانی و بازدارنده که نگرش به مسئله به عنوان تهدیدی مهم، شک به توانایی خود در حل موفقیت‌آمیز مسئله تفسیر می‌شود. از سوی دیگر، سبک منطقی روش سازنده حل مسئله که می‌توان آن را کار بست آگاهانه و منطقی مهارت‌ها حل مسئله مؤثر توصیف نمود و سبک تکانشی نیز الگوی ناکارآمد حل مسئله است که فرد فقط راه‌حل‌های محدودی را در نظر می‌گیرد و اغلب به صورت

تکانش گری اولین راهی که به ذهنش می‌رسد عملیاتی می‌سازد و در نهایت سبک اجتنابی، دیگر الگوی ناکارآمد مقابله با مسائل اغلب تعلل، عدم فعالیت، انفعال و وابستگی را اتخاذ می‌نماید (فوسارو و اسمیت، ۲۰۱۸؛ شکوهی یکتا، اکبری زرد خانه، پزند، محمودی و مشروطی، ۱۳۹۵). فقدان مهارت‌های حل مسئله اجتماعی و جهت‌گیری منفی مسئله می‌تواند به افسردگی و خودکشی در کودکان و بزرگسالان، رفتارهای خودزنی و افزایش نگرانی منجر شود به طوری که مسئله‌گرایی منفی در افراد دارای اختلالات شخصیتی نشان داده شده است (اسمیت، روسر، جاکل، برونی، سوچان و ثوما، ۲۰۱۶).

پیشینه تحقیق

فرید مرندی، کاکابرایی، حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تاثیر آموزش حل مسئله بر مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش دبستانی" به این نتیجه دست یافتند که از آنجا که مهارت حل مسئله به چگونگی برطرف کردن مشکلات و مدیریت مسائل زندگی مربوط می‌شود، آموزش این مهارت‌ها به کودک زمینه ساز بهبود تعامل و ارتباط سازنده و موثر با جهان پیرامون شده و موجب ارتقاء سطح مهارت‌های اجتماعی روابط بین فردی مطلوب می‌شود. آموزش مهارت‌های حل مسئله در این مطالعه توانسته است زمینه همکاری، مسئولیت‌پذیری و تعامل بین فردی مطلوب را در کودکان تقویت کند و در نهایت موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی افراد گروه آزمایش شده است.

نادری، صفری، قشلاقی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "تاثیر آموزش مهارت حل مسئله تریز در تفکر خلاق و انتقادی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی" به این نتیجه دست یافتند که بین گروه آزمایش و گروه کنترل تفاوت معنادار وجود دارد و بین تمامی ابعاد تفکر انتقادی (درک معنای یک عبارت، تشخیص ابهام در نحوه استدلال، نتیجه‌گیری منطقی و درک هماهنگی، نتیجه‌گیری موجه، پیروی از یک اصل و قاعده یا قانون، صحت و مقبول بودن منابع و مآخذ یک ادعا) و ابعاد تفکر خلاق (ابتکار، بسط، سیالی و انعطاف‌پذیری) تفاوت وجود دارد. میانگین نمرات تفکر انتقادی و تفکر خلاق در گروه آزمایش به طور معنی داری نسبت به گروه کنترل افزایش پیدا کرده بود.

فرنام (1395) در پژوهشی با عنوان "اثربخشی آموزش رفتارهای سالم با تاکید بر حل مسئله و سبک‌های حل مسئله و راهبردهای مقابله‌ای سازنده در نوجوانان دانش آموز" به این نتیجه دست یافت که آموزش رفتارهای سالم با تأکید بر حل مسئله در مرحله پس از آزمون و پیگیری در افزایش سبک‌های حل مسئله سازنده و مقابله سازش یافته مؤثر بوده است.

حسین زاده تقوایی (1398) در پژوهشی با عنوان "اثربخشی آموزش حل مسئله بر کیفیت زندگی و حل مسئله اجتماعی دختران تیزهوش با موفقیت کمتر از حد انتظار" به این نتیجه دست یافت که آموزش حل مسئله به طور معناداری کیفیت زندگی و حل مسئله اجتماعی سازگار گروه آزمایش را در مقایسه با قبل از آموزش و گروه گواه افزایش داده ولی حل مسئله اجتماعی ناسازگار گروه آزمایش را به طور معناداری کاهش نداده است. تأثیر آموزش در دوره پی گیری نیز ادامه یافت.

یافته های پژوهش

حل مسئله اجتماعی فرایندی شناختی رفتاری است که برای طیف وسیعی از مشکلات عادی زندگی و اختلالات رفتاری به کار گرفته میشود فولیا، سافاک و آیس، (۲۰۰۹) در سیستم آموزشی دنیای امروز مدارس مهمترین منبع کسب دانش، ارتقا استعداد و بینش در افراد به ویژه دانش آموزان به حساب می آید که مورد توجه دولت مردان متخصصان بهداشت روان و مشاوران قرار گرفته است آشنایی و مسئولی ۲۰۱۴ نقل از یآوری در تاج و اسدزاده (۱۳۹۵) معلمان که نقش مؤثری بر گسترش توانمندی های حل مسئله دانش آموزان دارند باید محیطی را خلق کنند که دانش آموزان برای کشف کردن خطر کردن و مسئله گشایی تشویق شوند (سانتروک (۲۰۰۸) هنگامی که افراد با رویدادها و فشارهای روانی منفی روبرو میشوند توانایی در حل مسئله و مقابله می تواند نقش مهمی در حفظ آرامش روابط میان فردی بهداشت روان و سلامت جسمی و روانی شان داشته باشد فولیا) و همکاران (۲۰۰۹) و کیفیت زندگی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. کیفیت زندگی یکی از پیامدهای پر اهمیت در ارزیابی های سلامت است که بر ابعاد وسیع آن به شکل رفاه کامل فیزیکی روحی و اجتماعی و نه فقط عدم وجود بیماری، تأکید میشود آقایی گزل زینالی احمدی و میرزایی (۱۳۹۵). با توجه به مفهوم کیفیت زندگی که مفهومی چندوجهی و پیچیده است و تحت تأثیر خصوصیات زمینه ای وضعیت اجتماعی فرهنگی و محیطی قرار دارد و در آن ابعادی نظیر پذیرش خود تسلط بر محیط رشد شخصی خود مختاری درک سطوح شادی و رضایت از زندگی مدنظر قرار می گیرد (ریف سینگر لاو و اسکس (۱۹۹۸)، حل مسئله اجتماعی به عنوان شاخصی از کفایت فردی میتواند کیفیت زندگی در تعاملات بین فردی را تغییر دهد. احمدی حلمسلویی پاشنگ و سلیمی نیا (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مهارت حل مسئله بر بهبود کیفیت زندگی مؤثر است و میتوان آن را به عنوان ابزاری حمایتی و مؤثر جهت ارتقاء کیفیت زندگی به شمار آورد.

حل مسائل می-توانند مهارت-های فکری را تا سطوح بالایی توسعه دهند. برخورداری از مهارت حل مسئله اجتماعی امر مهمی است چرا که، ۱- در زندگی روزمره و در دنیای کار، نیاز به مهارت-های حل مسئله در همه جا احساس می-شود. ۲- حل مسئله

به افراد انگیزه یادگیری می‌دهد. ۳- شناخت مسائل ارائه شده، یادگیری را معنادارتر می‌کند (ارلینا، جاتمیکو و ویکاکسونو، ۲۰۱۷). توانایی حل مسئله اجتماعی شامل فرایندهای شناختی سطح بالا است که برای مقابله مناسب با مشکلات استرس زا مختلفی که در زندگی تجربه می‌شوند، ضروری است. به طور کلی، مهارت‌های موثر در حل مسئله می‌تواند چندین مزیت داشته باشد. این مهارت‌ها می‌توانند مقابله با موقعیت را افزایش دهند و پریشانی عاطفی را کاهش دهند (توما، سونبرگ، مارسینکوسکی، جاکل، ادل و سوچان، ۲۰۲۰؛ رومانو، موسکویتچ، ما و هاپرت، ۲۰۱۹).

بی‌شک تعامل با هم‌کلاسی‌ها و معلم در مدرسه و البته در خارج از محیط مدرسه با افراد مختلف از ارکان اولیه موفقیت در تمامی جنبه‌های تحصیلی و مهم‌تر از آن در زندگی واقعی است. وقتی دانش‌آموزان بتوانند مسائل و مشکلاتی که در روابط بین فردی آن‌ها در کلاس ایجاد می‌شوند را حل نمایند در مسائل درسی نیز به موفقیت‌های چشم‌گیری دست خواهند یافت. به این ترتیب، در میان اهداف عمومی آموزش علمی، وظیفه معلم این است که به دانش‌آموزان پیام‌آموز مسائل خود را در مورد درک رابطه‌ی علت و معلول، استفاده مناسب از ذهن، عادت به مطالعه منظم، چگونگی سازگاری انسان با شرایط اجتماعی را از طریق علم حل نمایند (ساینت- جین، الین و بسنارد، ۲۰۱۹). کودکانی که دارای مشکلات سازگاری‌اند، راه‌های محدودی برای مسائل اجتماعی در اختیار دارند و نسبت به پیامدهای رفتاری خود بر اطرافیان بی‌تفاوت هستند (هدایتی و ماهزاده، ۱۳۹۵). نظام‌های آموزشی باید دانش‌آموزان را به مهارت مناسب برای رویارویی با مسائل مجهز کنند (پروکتور، ۲۰۱۰). با در نظر گرفتن اینکه افرادی که فاقد توانایی‌های حل مسئله می‌باشند ممکن است در برخورد با موانع و مشکلات احساس ناکامی کرده و رفتارهای تکانشی از خود نشان دهند و برای دوری از موقعیت مشکل ساز، گوشه‌گیر شده و یا رفتار غیر انطباقی از خود بروز دهند، بنابراین تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور ارتقای مهارت‌ها حل مسئله ضروری به نظر می‌رسد (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۲). بهبود توانایی حل مسئله اجتماعی در نوجوانان توانمند-ی‌های روانی و اجتماعی را در آنان ایجاد می‌کند (رحمتی، هوشمندی، موسوی انزهایی و دهاقین، ۱۳۹۹). برنامه‌ریزی برای ارتقا ویژگی‌های شناختی چون حل مسئله اجتماعی گامی بلند در جهت تحقق مهم‌ترین اهداف آموزشی چون شاگرد محوری است. اهداف شناختی حل مسئله اجتماعی با برنامه پرورش هوش موفق در مدارس و کلاس‌های درسی قابل حصول است. با آموزش توانش‌های مختلف هوش موفق، می‌توان فرصت یکسانی را برای همه دانش‌آموزان جهت پرورش و شکوفایی استعدادهایشان در حوزه‌های مختلف مهیا کرد (استرنبرگ، کافمن و گریگورنکو، ۲۰۰۸).

آموزش حل مسئله به فرایند شناختی رفتاری اشاره دارد که طیفی از پاسخ‌های بدیل و بالقوه را برای مقابله با شرایط مشکل آفرین فراهم میکند و امکان انتخاب بهترین و مؤثرترین پاسخ‌ها را افزایش میدهد و افراد به واسطه آن راهبردهای مؤثری برای مقابله با موقعیت‌های مسئله‌رای زندگی شناسایی و کشف میکنند (دی زوریلا و گلد فرید ۱۹۷۱) اگر برای کنترل این وضعیت مدل لازاروس (۱۹۹۹) را در نظر بگیریم آنگاه مفهوم حل مسئله به عنوان راهکار کنار آمدن نقش اساسی ایفا میکند به گونه‌ای که مقابله شایستگی کلی و بهبودی جسمی و روانی را افزایش میدهد و به ترتیب از اثرات منفی فشارهای روانی روزانه بر سلامت جسمی و روانی می‌کاهد (دی زوریلا و نزو، ۱۹۹۹) مطالعات نشان داده است که آموزش بر پایه حل مسئله باعث افزایش توانایی افراد در حیطه مهارت‌های فنی، اجتماعی شناختی مدیریتی تحقیقی آموزشی و دانش میشود که در این میان حیطه اجتماعی قوی‌ترین مورد است.

چون هات کو (۲۰۰۸) ضعف در مهارت حل مسئله اغلب باعث میشود که دانش‌آموزان کم‌توان برای پاسخ به موقعیت‌های دشوار به دیگران از جمله معلم و والدین مراجعه کنند (آگران و و همایر، ۲۰۰۵) آموزش کارآمدی شخصی و خودآگاهی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند. وقتی آنها می‌آموزند که پاسخهایی برای سؤالات خود پیدا کنند کم‌تر وابسته شده و بیش‌تر مستقل و خودمتکی میشوند اسکرگس و مسترپایری ۱۹۹۷ از جمله بهترین مهارت‌ها و فعالیت‌ها برای کودکان دارای ناتوانی رشد مهارت خودگردانی است و همایر، گراگادس و شاگرن ۲۰۰۶) بر این اساس متخصصان آگران بلانچارد و و همایر ۲۰۰۰؛ و همایر گراگادس و شاگرن (۲۰۰۶) آموزش تواناییهای تصمیم‌گیری و حل مسئله را به عنوان مؤلفه‌ها و عناصر گلاگو، مستر و پایری و اسکرکس (۲۰۰۹) بر اهمیت آموزش مهارت‌های حل مسئله به منظور آماده‌سازی دانش‌آموزان دارای ناتوانی برای حضور در محیط‌های فراگیر تأکید کرده‌اند. جزئی رفتار خودگردانی حائز اهمیت میدانند. یافته‌های پژوهشی نیز نشان میدهد که آموزش حل مسئله در بهبود و افزایش مهارتهای خودگردانی و چگونگی خودتنظیمی رفتار دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مؤثر بوده است (مک‌گلاشینگ جانسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ آگران و همکاران ۲۰۰۲ پالمر و همکاران ۲۰۰۴) به اعتقاد آگران کوبین و و همایر (۲۰۰۶) کسب این رفتارها برای دستیابی به موفقیت و دسترسی به برنامه درسی آموزش عمومی مهم هستند.

از فواید آموزش مهارت حل مسئله میتوان به تقویت دانش‌آموزان در حل مسئله مستقل اشاره کرد علاوه بر این در چنین آموزشهایی مهارتهای انتخاب کردن و تصمیم‌گیری مورد توجه است که میتواند در گستره زندگی به کار برده شود پالمر و و همایر (۲۰۰۲) همچنین دانش‌آموزان به توانایی خود برای تأثیرگذاری بر پیامدهای مسائل بر مبنای انتخاب‌های خود پی ببرند فرند

(۲۰۱۱) از دلایل ضرورت توجه به کسب توانایی حل مسئله می‌توان به این نکته اشاره کرد که دانش آموزان ضمن یادگیری حل مشکلات ساده و پیچیده، سرانجام شیوه تفکر سطح بالاتر را می‌آموزند (داب و بلاک، ۲۰۰۴)

کوت و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با طرح تک آزمودنی با چند خط پایه به چهار دانش آموز کم توان ذهنی راهبردهای حل مسئله شامل تشخیص مشکلات و راه حل‌های ممکن تشخیص بهترین راه حلها و خود ارزشیابی را طی یک دوره ۱۶ هفته‌ای آموزش دادند. نتایج نشان داد همه دانش آموزان تشخیص مشکلات و راه حل‌های ممکن را یاد گرفتند و علاوه بر این مهارت‌های حل مسئله را طی جلسات بازی نقش تعمیم داده و به کار بردند. در پژوهش هریس (۲۰۰۲) رویکرد شناختی - رفتاری برای آموزش حل مسئله اجتماعی به کودکان کم توان ذهنی به کار برده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که آموزش در افزایش کنترل تکانه، نظم کلامی و تفکر انعطاف پذیر مؤثر بوده و کودکان گام‌های حل مسئله اجتماعی را یاد گرفتند. بر اساس شواهد پژوهشی گلاگو مستروپایزی و اسکراگس، (۲۰۰۹) یادگیری راهبردهای حل مسئله در توانایی دانش آموزان برای تعمیم راهبردها به مشکلات کلاسی مؤثر بوده است. اریلی و همکاران (۲۰۰۲) نیز اثر بخشی این آموزشها را بر بهبود مهارت‌های کلاسی کودکان کم توان ذهنی تأیید کرده‌اند. همچنین آموزش حل مسئله اجتماعی در افزایش هوش هیجانی مؤثر بوده است منصوره نصر آبادی ۱۳۸۳ اکبری و همکاران (۱۳۸۹) مسئله گشایی به کودکان کمک میکند هنگام رو به رو شدن با رویدادهای زندگی استرس زا احساس تسلط کنند. این نوع آموزش خطر مشکلات ناسازگاری کودکان را کاهش می‌دهد گودمن گراویت و کاسلو (۱۹۹۵) شواهد پژوهشی بسیاری وجود دارد که تأثیر آموزش حل مسئله را بر بهبود مهارت‌های اجتماعی کاهش مشکلات رفتاری و کنترل تکانه در دانش آموزان تأیید کرده‌اند و کیلی ۱۳۸۶ شکوهی یکتا و همکاران ۱۳۸۹؛ شکوهی یکتا و زمانی ۱۳۹۱؛ باور و ویستر - استراتون، ۲۰۰۶؛ اسکات، ۱۲۰۰۵ سانتی نلو و همکاران ۲۰۰۴؛ کازدین و وایتلی، ۲۰۰۳؛ شور و هیلی، ۱۹۹۳؛ شور، ۱۹۹۳ ابوالمعالی حسینی و همکاران (۱۳۸۸)، کودکان فاقد سطوح بالای مهارت‌های اجتماعی نه تنها تعامل موفقیت آمیزی با همسالان خود ندارند، بلکه مشکلات رفتاری درونی مانند افسردگی و مشکلات رفتاری بیرونی مانند پرخاشگری جسمانی یا کلامی را نیز بیش تر تجربه میکنند والشال، کونولد و پیانتا، ۲۰۰۵؛ کوثری و علیزاده (۱۳۸۹) در اثر بخشی آموزش حل مسئله اجتماعی بر کاهش اختلال رفتاری دانش آموزان (محمدی، ۱۳۸۲) و سازگاری اجتماعی و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرواحدی و همکاران (۱۳۸۸) تأیید شده است. نتایج مطالعه شکوهی یکتا و همکاران زیر چاپ در بررسی تأثیر مداخلات شناختی به شیوه حل مسئله اجتماعی بر بهبود روابط بین فردی و کارکرد اجرایی در دانش آموزان دیر آموز پایه چهارم و پنجم دبستان نشان داد که

آموزش در افزایش حل مسئله ارائه راه حلها (سیالی) و طبقات راه حل ها انعطاف پذیری کارکردهای اجرایی و همچنین کاهش رفتارهای شکایت کردن بحث و مجادله و عدم رعایت نوبت مؤثر بوده است.

طبق مدل نظری حل مسئله اجتماعی دی‌زوریل، حل مسئله اجتماعی یا مسئله گشایی فرایندی است شناختی که به وسیله آن فرد میکوشد راه حل مناسبی برای یک مشکل پیدا کند پرلا و ادونل، ۲۰۰۴ پیامدهای حل مسئله در جهان واقعی به طور گسترده از طریق دو فرایند نسبتاً مستقل از هم تبیین میشود: الف) جهت گیری مسئله (ب) مهارت حل مسئله. جهت گیری مسئله قسمت انگیزشی حل مسئله است در حالی که مهارت حل مسئله فرایندی است که در آن شخص سعی میکند راه حل مؤثر سازگار با مسئله ویژه را از طریق کاربرد راهبردهای حل مسئله بیابد. جهت گیری مثبت به مسئله نیز عنوان یک آمادگی روان شناختی سازنده حل مسئله مطرح میشود که تمایل کلی فرد در مبارزه طلبی برای حل مسئله قلمداد می گردد اما جهت گیری منفی یک آمادگی شناختی - هیجانی مختل است که فرد مسئله را یک تهدید فرض میکند که قابل حل نیست. از سوی دیگر مهارت حل مسئله به کارگیری تکنیک های اختصاصی حل مسئله را طلب میکند که در جهت افزایش احتمال یافتن بهترین راه حل در یک موقعیت ویژه طراحی میشود (اولیوراس و دی زوریل ۱۹۹۶ به نقل از مرادی، ۱۳۹۲).

8

با این وصف حل مسئله سازگارانه به جهت گیری مثبت نسبت به حل مسئله و به کارگیری مؤثر مهارتهای منطقی مسئله بستگی دارد حل مسئله اجتماعی زمانی ناسازگارانه محسوب میشود که با یک جهت گیری منفی نسبت به مسئله و اجتناب شدید از مسئله و یا انتخاب راه حل تکانه ای همراه گردد (نظیری ۱۳۹۳) چرا که شواهد پژوهشی حاکی از آن است که آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی سازگارانه بر افزایش باورهای خودکارآمدی و توانایی تصمیم گیری تأثیر دارند نیجمی (۲۰۰۸)، بنابراین می تواند در کاهش فرسودگی تحصیلی مؤثر واقع شود. علاوه بر مهارت حل مسئله اجتماعی سازگارانه امروزه یکی از سازه های روان شناختی که تأثیر بسزایی در حل مشکلات روانی و رفتاری دارد، سرمایه روان شناختی است. باید دید این سازه چه تأثیراتی می تواند بر حل یا کاهش فرسودگی تحصیلی داشته باشد. جی وون (۲۰۱۶) با پژوهش خود دریافت سرمایه روان شناختی با توان یادگیری رابطه مثبت دارد.

بر اساس دیدگاه نظری لوتانز سرمایه روان شناختی زیر مجموعه ای از روانشناسی مثبت گرا است که با ویژگیهای زیر تبیین شده است باور فرد به توانایی هایش برای دستیابی به موفقیت در انجام وظایف معین ایجاد استادهای مثبت در مورد موفقیت های اکنون و آینده داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف و پیگیری راه های لازم برای رسیدن به موفقیت و تحمل کردن مشکلات و

بازگشت به سطح معمولی عملکرد و حتی ارتقاء از آن تا دستیابی به موفقیت‌ها لوتانز ۲۰۰۶ این سازه روان شناختی دارای ابعاد چهارگانه ای است که خودکار آمدی امید خوش بینی و تاب آوری نام دارند.

نتیجه گیری

آموزش مهارت حل مسئله اشاره به یک فرایند شناختی رفتاری دارد که تنوعی از پاسخ‌های بدیل و بالقوه را برای مقابله با شرایط مشکل ساز فراهم می‌کند، موجب آگاهی مراجعان از وجود ارتباط بین تجربه ناراحتیهای روانی و مشکلات گوناگون زندگی می‌شود و توانایی آنها را برای تعریف واضح تر از مشکلات و استفاده از مهارت‌های شناختی برای کنار آمدن با موقعیتهای مسئله آفرین افزایش میدهد. مراجعان، حل مسئله را در یک چهارچوب ساختار یافته فرامی‌گیرند و پی‌می‌برند که اکثر مشکلات بالقوه چالش‌پذیر هستند (مینورس والیس، ۲۰۰۱) پژوهش عرب زاده، کدیور و دلاور (۱۳۹۳) نشان داد که آموزش راهبردهای یادگیری خودگردان در مهارت حل مسئله اجتماعی دانش آموزان مؤثر بود و به آنها کمک کرد تا بتوانند در مورد مسائل اجتماعی و تحصیلی خود بهتر تصمیم بگیرند. نتایج پژوهش آقای و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان داد مهارت حل مسئله نه تنها سبب کاهش علائم اضطراب و افسردگی در بیماران ام‌اس می‌شود بلکه موجب افزایش کیفیت زندگی و بهزیستی روانی آنها می‌گردد. نتایج پژوهشهای متعدد اثر بخشی آموزش حل مسئله را بر امید به زندگی و کیفیت زندگی زربخش بحری شعاع حسنی ظهیری سروری هفشجانی و خادمی (۱۳۹۲) خودکارآمدی زهرا کار رضازاده و احقر (۱۳۸۹) و خودپنداری تحصیلی (زراعت و غفوریان (۱۳۸۸) تأیید کرده اند.

منابع

ابو المعالی، خدیجه. (۱۳۹۴). نظریه‌های جرم‌شناسی و بزه‌کاری (با تأکید بر شناخت اجتماعی). تهران: ارجمند.

اسدیان، سیروس و همت یار، میر بشیر. (۱۳۹۲). رابطه بین هوش‌های چندگانه با مهارت‌های حل مسئله دانش‌آموزان پایه چهارم دوره ابتدایی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها، شیراز، https://www.civilica.com/Paper-ICMM01-ICMM01_0956.html

اکبری موید، سمیه. (۱۳۹۸). نقش منبع کنترل و توانایی حل مسئله اجتماعی در پیش بینی انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان. رویش روان‌شناسی، ۸(۳)، ۷۳-۸۰.

شمسی، معصومه (۱۳۹۸). بررسی رابطه توانایی حل مسئله اجتماعی بر اساس هوش هیجانی و هوش اجتماعی زنان پلیس، ۱۳(۳۱)، ۵۴-۶۸.

جلیل آبکنار، سیده سمیه؛ عاشوری، محمد و مولوی، گیتا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی در بهبود مهارت‌های حل مسئله ریاضی در دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی پایه سوم راهنمایی. *مجله پژوهش در علوم توان‌بخشی*، ۸(۳)، ۳۹۱-۴۰۱.

حامدیان، صالحه. (۱۳۹۰). بررسی میزان اثربخشی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر بر عملکرد حل مسئله‌ی ریاضی بر اساس طبقه‌بندی اصلاح شده‌ی بلوم در دانش‌آموزان دختر دوم راهنمایی شهر قوچان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

حاتمی فرد، سیروس. خوش رو، وحید. کافی، سید موسی (1390). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و مهارت ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، دوره 2، شماره 7، از صفحه 68 تا 84.

10

سرداری، باقر. قربانزاده، پویا (1398). اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر هیجان‌های تحصیلی مثبت و منفی دانش‌آموزان پایه ششم، فصلنامه پوشش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره، دوره 5، شماره 11، از صفحه 125 تا 144.

حسین زاده تقوایی، مرجان (1398). اثربخشی آموزش حل مسئله بر کیفیت زندگی و حل مسئله اجتماعی دختران تیزهوش با موفقیت کمتر از حد انتظار، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره 13، شماره 45، از صفحه 93 تا 108.

خانی، رضوان؛ بهرامی پور، منصوره و عابدی، احمد. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش هوش موفق بر سرعت حل مسئله کودکان پیش دبستانی. *نشریه پرستاری کودکان*، ۶(۳)، ۴۵-۵۲.

رابرت. ج استرنبرگ، النالئونیدوونا گریگورنگو. (۲۰۱۱). تدریس در جهت هوش موفق برای افزایش یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان (ترجمه فولادوند، خدیجه؛ چراغی، فاطمه، عبیدی زادگان، افسانه) (۱۳۹۲). *جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی*. البرز.

رحمتی، صمد؛ هوشمندی، رودابه؛ موسوی انزهایی، آرزو سادات و دهاقین، وحیده. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر تحمل پریشانی و حل مسئله اجتماعی نوجوانان بزهکار، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۰(۳۷)، ۴۵-۶۴.

زارع، حسین و برادران، مجید. (۱۳۹۳). هنجاریابی پرسشنامه حل مسئله پارکر در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان گیلان، *فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۲(۵)، ۱۸-۲۶.

Bailey, D.H.; Sigler, R.S. & Geary, D.C. (2014). Early predictors of middle school fraction knowledge. *Developmental Science*, 10, 775-785.

Geary, D.C. (2013). Early foundations for mathematics Learning and their relations to learning disabilities. *Current Directions in Psychological Science*, 22(1), 23-27.

Lerner, J. (1993). *Learning Disability Theories: Diagnosis and Teaching Strategies* (6 th ed.). U.S.A: Houghton Mifflin Company.

Shalev, R. S., Manor, O., & AGross-Tsur, V. (2005). Developmental Dyscalculia: A prospective six years follow-up. *Developmental Medicine & Child Neurology*, 47, 121-125

Tekin, G. & Sezar, O. (2010). Applicability of play therapy in turkish early childhood education system to day and future. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 50-54.

Wong, T. & Tang, J. (2015). Identification of children with mathematics learning disabilities (MLD) using Latent class growth analysis. *Res DevDisabil*. 35(11), 2906-20.

Zorofi, M. (2010). The study of student's mathematics lesson learning quality. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 8, 505-511.